



دُنی دیدرو
برادرزاده‌ی رامو
ترجمه‌ی مینو مشیری

www.ketab.ir

سرشناسه: دیدرو، دنی، ۱۷۸۴-۱۷۱۳ م.

Diderot, Denis

عنوان و نام پدیدآور: برادرزاده‌ی رامو

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۲۲ ص.

شابک: 4 - 535 - 229 - 600 - 978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nliai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: Le Neveu Derameau

موضوع: ادبیات - رمان فرانسوی

شناسه‌ی افزوده: مشیری، مینو، ۱۳۲۵، مترجم

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۸۶۲۸۱۱

این کتاب ترجمه‌ای است از:
Editions Garnier 1958

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - رمان فرانسوی

برادرزاده‌ی رامو
ژنی دیدرو
ترجمه‌ی مینو مشیری
ویراستار: مهدی یزدانی خرم

مدیر هنری: مجید عباسی
لیتوگرافی: باختر
چاپ: دالاهو
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.
www.cheshmeh.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۵۳۵-۴

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:
تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.
تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:
تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷.
تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش:
تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.
تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:
تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به اتوبان نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخار مقدم،
مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

مقدمه‌ی مترجم

برادرزاده‌ی رامو اثر دُنی دیدرو، از فیلسوفان عصر روشنگری فرانسه، یکی از آثار مشهور ادبی - فلسفی جهان است و بیشتر به یک رساله‌ی فلسفی می‌ماند تا رُمان. برادرزاده‌ی رامو با این جمله از هجاییات هوراس آغاز می‌شود «موجودی که تحت تأثیر همه‌ی ستارگان متغیر عالم زاده شده»؛ که دقیقاً در وصف کسی مانند ژان فرانسوا رامو که دایم از افراط به تفریط رو می‌کند صادق است، با این شرح «در میان آدمیان جمعی همواره فاسدند و بدکار و جمعی دیگر که به شمار می‌یستند، گاه به نیکی رو می‌کنند و گاه بدی». ژان فرانسوا رامو «دمدمی زیسته و دم‌به‌دم تغییر کسوت داده، از خانه‌ای زیبا بیرون آمده تا یک‌باره در زاغه‌ای بخزد...». این اثر هجایی مشهور که به احتمال در سال ۱۷۶۲ نوشته شده، بارها در سالیان بعد به دست دیدرو بازنویسی شد. جالب این‌که پیش از آن‌که فرانسوی‌ها با آن آشنا شوند، نسخه‌ای از آن به دست شیللر می‌رسد و تحسین او را برمی‌انگیزد. شیللر آن نسخه را برای گوته می‌فرستد و گوته چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد که در سال ۱۸۰۵ آن را به آلمانی ترجمه می‌کند. این شاهکار بی‌همتای «جلد» پس از مرگ دیدرو (سال ۱۷۸۴)، در سده‌ی نوزدهم از روی یکی از نسخه‌های کم‌وبیش صحیحی که مفقود شده‌اند، به طبع رسید.

انگیزه و محرک دیدرو برای نوشتن این اثر مبهم است. مسلم این است که دیدرو

هرگز آن گفت‌وشنودی را که نقلش می‌کند با برادرزاده‌ی رامو نداشته است. اما ژان فرانسوا رامو موجودی خیالی نیست. او واقعی است و حقیقتاً برادرزاده‌ی ژان فیلیپ رامو، موسیقیدان معروف فرانسوی در سده‌ی هجدهم، است. اما او نه آن لاتِ آسمان جُلّی و قبیح و نه آن خردمندِ روشنفکری است که دیدرو به ما معرفی‌اش کرده. اگر با اراذل آمیزش دارد برای تفریح و تشفی خاطر است. او جوانی است تن‌پرور که یگانه ذوق و قریحه‌اش موسیقی است اما حتا در این زمینه هم پشتکار ندارد. برای امرار معاش درسِ آواز و کلاوسن می‌دهد. حضورش فقط به ضرورت وجود مخاطبی است تا گفت‌وشنود میان من و او، در اثر میسر سازد. دیالوگ در آثار دیدرو، حتا در زمانِ ذاک قضاوت‌داری و اربابش، به نیازِ او برای نضج بخشیدنِ اندیشه‌هایش بهتر پاسخ می‌گفت.

در حقیقت من و او هر دو شخصیت‌هایی تمثیلی‌اند و دیالوگ میان دیدرو و خودش، یا بهتر بگوییم میان دو جنبه‌ی آشتی‌ناپذیر معیارهای اخلاقی‌اش. برادرزاده‌ی رامو فاصله و اختلاف میانِ اندیشه‌ی فلسفی و واقعیت روزانه را به ما نشان می‌دهد. دُنِی دیدرو در سال ۱۷۱۳ در لانگر، شهرستانی در شمال شرقی فرانسه به دنیا آمد. پدرش استادِ چاقوساز از طبقه‌ی متوسط بود و امید داشت پسرش روزی به کسوتِ کشیشان درآید. دُنِی در مدرسه‌ی یسوعیان لانگر با نویسندگان یونانی و لاتینی عهد باستان آشنا شد و فرهنگ کلاسیک در اندیشه‌اش، همراه دل‌بستگی به تعالیم امانیستی، آیین سخنوری، زیبایی‌شناسی و اخلاقیات، ریشه در همین آموزش‌ها داشته است. پس از طی دوره‌ی شوروشوق و جذبه‌ی مذهبی؛ مانند بسیاری دیگر از جوانان بلندپرواز شهرستانی برای ادامه‌ی تحصیل قصد سفر به پاریس کرد. پدر، پسر ناسازگارش را شخصاً به پایتخت برد و دُنِی در سال ۱۷۳۲ از دانشگاه پاریس فارغ‌التحصیل شد.

آشنایی دیدرو با زبان و ادبیات انگلیسی و علاقه‌اش به نمایش‌نامه‌نویسان کلاسیک فرانسه تأثیر زیادی در سبکِ نویسندگی او داشت. در سال ۱۷۴۷ همراه با دالامبر سرپرست مشترک دایرة‌المعارف شد و بیست و پنج سال تمام وقت و نیروی

خود را صرف این دانش‌نامه‌ی سترگ کرد. دایرةالمعارف ابتدا قرار بود ترجمه و اقتباسی از دایرةالمعارف چیمبرز^۱ باشد؛ اما به همت دیدرو دامنه‌اش وسعتی به مراتب بیشتر پیدا کرد و مردانی چون مونتسکیو، ولتر و روسو نیز به همکاری با او و دالامبر پرداختند. دیدرو در طول حیات خود، و در نظر اکثر همعصرانش بیشتر به عنوان یک دایرةالمعارف‌نویس بزرگ شهرت یافت. بهترین آثارش، از جمله چهار رمان (گوهرهای رازگشا، راهبه، برادرزاده‌ی رامو، ژاک قضاوقدری و اربابش) و بسیاری دیگر از نوشته‌هایش پس از مرگ او منتشر شدند.

دیدرو «فیلسوف»، رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس، نظریه‌پرداز زیبایی‌شناسی و زبان‌شناسی و منتقد هنری بود. استعدادهای گوناگون، دانش گسترده، تخیل قوی و تفکر علمی‌اش که در قرن نوزدهم و حتا در قرن بیستم گاه بی‌رحمانه از سوی منتقدان و مورخان زیر سؤال رفته بود و مریدان چندانی نداشت، سرانجام در دهه‌های اخیر آوازه‌ی راستین و به حق خود را یافته و امروز او کنار دیگر «فیلسوفان» جنبش روشنگری فرانسه، یعنی مونتسکیو، ولتر و روسو در مقام چهره‌ی برجسته‌ی قرن هجدهم فرانسه از جایگاه رفیعی برخوردار شده است.

از دیگر آثار دیدرو:

اندیشه‌های فلسفی (۱۷۴۶)، گل گشت شکاک (۱۷۴۷)، نامه درباره‌ی نابینایان (۱۷۴۹)، نامه درباره‌ی کر و لال‌ها (۱۷۵۲)، اندیشه‌هایی در تفسیر طبیعت (۱۷۵۳)، پسر نامشروع (نمایش‌نامه) (۱۷۵۸)، پدر خانواده (نمایش‌نامه) (۱۷۵۸)، نگارخانه‌ها (مقالات درباره‌ی نقاشی) (۱۷۵۹ به بعد)، ژاک قضاوقدری و اربابش (بین سال‌های ۱۷۶۵ تا ۱۷۸۴)، رؤیای دالامبر (۱۷۶۹)، سفرنامه‌ی بوگنویل (۱۷۷۳)، مقدمات فیزیولوژی (۱۷۷۳)، نظر خلاف عرف درباره‌ی هنرپیشگان (۱۷۷۸).